

خمینی کبیر آینه آرمان‌های تاریخ معاصر

(متن مصاحبه با آیت‌الله درّی نجف‌آبادی)

- شاخصه‌های اصلی اسلام از نگاه امام چه بود و چه تفاوت‌هایی با دیگر قرائت‌ها از اسلام

داشت؟

آیت‌الله درّی نجف‌آبادی: ابتدا من از جامعه دانشجویان و جهاد دانشگاهی و کلیه مراکزی که با همکاری بنیاد حفظ و نشر آثار امام خمینی اقدام به بررسی و تبیین و توضیح و تداوم خط امامت و ولایت در جامعه خصوصاً دانشگاهی می‌نمایند به سهم خویش تشکر می‌کنم. این کار بسیار ارزشمند است و سرمایه‌گذاری در این کار به هر میزان که صورت گیرد مفید و بجا خواهد بود. امیدوارم پس از گذشت یک سال بازدهی خوبی را از این حرکت شاهد باشیم و عملکرد شما در تنویر افکار عمومی امت اسلام خصوصاً افکار نسل جوان دنیای اسلام اعم از دانشگاهی و حوزوی نقش تأثیرگذار و پایداری داشته باشد. شاید بهتر باشد در مورد نقش حضرت امام، در ۱۵ خرداد و فاصله آن تا پیروزی انقلاب اسلامی کمی به عقب برگردیم، یعنی که امام به

عنوان یک روحانی فاضل، فقیه و دانشمند در حوزه علمیه قم چه در زمان شیخ عبدالکریم حائری و چه بعد از وی در زمان علمای ثلاث، یعنی آیت‌الله حجت تا صدر و خوانساری درخشیدند و منشأ آثار و برکات بسیار فراوان و جاودانه‌ای در همان دوره شدند. مرحوم آیت‌الله بروجردی در سالهای ۲۴ و ۲۵ به حوزه علمیه قم تشریف آوردند که امام رضوان‌الله تعالی علیه نقش مؤثری در تشریف‌فرمایی و سکونت ایشان در قم داشتند. آیت‌الله بروجردی در بروجرد مقیم بودند و در سفری که به مشهد داشتند دچار کسالت شده و برای رفع کسالت در بیمارستان فیروزآبادی امروز تهران مستقر شدند که امام رضوان‌الله علیه خدمت ایشان شرفیاب می‌شوند و از ایشان تقاضا کرده و اصرار می‌نمایند که به قم آمده و در آنجا متوطن شوند. لذا ایشان در قم متوطن می‌شوند و هم‌زمان با رحلت مرحوم سیدابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌الله نقیصه‌ای رضوان‌الله علیه در حقیقت مرجعیت علی‌الاطلاق عالم تشیع به دوش شخصیت باعظمتی مانند آیت‌الله بروجردی می‌افتد. امام تأدب می‌کردند و احتراماً پای درس آیت‌الله بروجردی شرکت می‌فرمودند. حتی در بسیاری از امور چشم و گوش آیت‌الله بروجردی محسوب می‌شدند. البته در آن تاریخ برای اصلاح حوزه برنامه داشتند و برنامه‌ای هم خدمت آیت‌الله بروجردی ارائه می‌کنند. در برخی از ملاقاتها همینطور که در گزارشات هست امام از طرف مرحوم آیت‌الله بروجردی به ملاقات شاه می‌روند و حساسترین موضوعات را از تغییر قانون اساسی گرفته تا موضوعات دیگر با شاه در میان می‌گذارند و غالب و پیروز و سربلند از این صحنه‌ها خارج می‌شوند. اما در این ۱۰ الی ۱۵ سال دوران آیت‌الله بروجردی پس از یک دوره سیر و سلوک و عرفان و معرفت و فلسفه، بیشتر به اصول و فقه می‌پردازند و در حوزه مقدس علمیه قم از سال ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ به بعد مباحث فقه و اصول را که مباحث رایج و دایر حوزه‌های علمیه است بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند و آن مباحث عرفانی و فلسفی و کلامی و اخلاقی و تربیتی که در دوره‌های قبل و ۱۵ و الی ۲۰ سال قبل با جدیت دنبال می‌کردند در مقام تدریس کمرنگ می‌شود و بیشتر آموزش این مباحث با اشتیاق شهید مطهری و تعدادی از یاران باوفای امام شکل می‌گیرد. امام در درجه اول تدریس اصول را به طور شبه‌محرمانه برای این بزرگان شروع می‌کنند و در مرحله بعد فقه را آغاز می‌نمایند که دیگر امام از آن منزلت



□ امام از طرف مرحوم آیت‌الله بروجردی به ملاقات شاه می‌روند و حساسترین موضوعات را از تغییر قانون اساسی گرفته تا موضوعات دیگر با شاه در میان می‌گذارند و پیروز و سربلند از این صحنه‌ها خارج می‌شوند

وارد جایگاه جدیدی می‌شوند. جایگاهی که به عنوان فقیه و اصولدان مبرز در حد یکی از مراجع و استوانه‌های بزرگ فقاها در صحنه حوزه علمیه قم می‌درخشد. طبیعتاً در آن زمان با وجود آیت‌الله بروجردی زعامت و مرجعیت به عهده امام نبود. بعد از مرحوم آیت‌الله بروجردی امام خودشان به صحنه مرجعیت نیامدند. - از اینجا به بعد خودم شاهد بودم - وقتی موضوع لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در سال ۴۱ مطرح شد امام به صحنه آمدند. خوب از اینجا مقطع جدیدی در برنامه‌های حضرت امام رضوان‌الله‌علیه شروع می‌شود. شخصیت والای امام در ابعاد مختلف قابل روانکاوی است. به نظر می‌رسد امام در ابعاد شخصیتی از جامعیت ویژه و شگرفی برخوردار بودند و یک انسان تقریباً استثنایی و مشار با لبنان از نظر علم و تقوا و کمال و معرفت و اخلاص محسوب می‌شدند. باید حاج آقا روح‌الله را به عنوان یکی از آن قله‌های بلند جهاد و اجتهاد مورد توجه قرار داد. سوابق درخشان امام در طول ۳۰ یا ۴۰ سال قبل از سال ۱۳۴۰ سوابق بسیار پربرکت و آموزنده و تأثیرگذار و قابل اعتماد و دارای اتکاء به نفس و اتکال علی‌الله و نورانیت

بی نظیر است. زمانی ساواک شب‌نامه‌ای را در حوزه مقدسه قم پخش کرد و در آن هر چه می‌خواست، به امام و مراجع هتاکی کرده بود و طلبه‌ها و مردم، بسیار از این موضوع ناراحت بودند. امام در شبستان سمت چپ مسجد اعظم کنار قبر مطهر مرحوم آقای بروجردی تدریس می‌فرمودند. ما طلبه‌ها جوان بودیم و همه پای درس حضرت امام حضور داشتیم و از موضوع پیش آمده بسیار ناراحت بودیم. امام فرمودند: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. انالله و انا الیه راجعون». پیداست این جمله را در هنگام شنیدن خبر مصیبت بار می‌گوییم. خوب اخبار ناگوار فراوان بود و از همه مهمتر توهین به ساحت مقدس امام رضوان‌الله تعالی علیه بسیار متأثرکننده بود. قرآن کریم می‌فرماید: «الذین اذا اصابتهم مصیبه قالوا انا لله و انا الیه راجعون». امام هم با کلمه استرجاع شروع کردند و طلبه‌ها گریه کردند. شاید حالا نوارش موجود باشد که امام فرمودند: به من توهین کردند، شما ناراحت نباشید. شبستان تقریباً پر بود و ایشان فرمودند: پیامبر (ص) ۶۳ سال داشت، امیرالمؤمنین (ص) ۶۳ سال داشت من هم ۶۳ سالم است. من برای مرگ آماده‌ام و سینه‌ام آماده سرنیزه اینهاست. اما زورگویی این ظالمان برایم قابل تحمل نیست.

ادامه صحبت‌های امام قطعاً ضبط شده است و شرح دقیق آن در تاریخ انقلاب موجود است. من به مقدمات جلسه اشاره کردم چون ممکن است در تاریخ نیامده باشد. عده‌ای تحت پوشش ترقی خواهان قم شایع کرده بودند که ما منزل امام و یکی دیگر از مراجع را روی سرشان خراب می‌کنیم. پس امام یک دوره ۴۰ ساله از زمان تأسیس حوزه علمیه قم بدست شیخ عبدالکریم حائری تا رحلت آیت‌الله بروجردی را طی کرده‌اند. وقتی امام وارد حوزه قم شدند ۲۰ ساله بودند و هنگامی که آیت‌الله بروجردی از دنیا رفتند امام ۶۰ سال داشتند. ۴۰ سال گذشته بود و در این ۴۰ سال ریشه‌ها و شاخ و برگ این درخت تنومند و با عظمت، عمیق‌تر و افزون‌تر شده و رشد پیدا کرده بود و به یک شجره طیبه تمام عیار و دارای ابعاد گوناگون تبدیل گشته بود. اولاً اخلاص، اتکال علی‌الله، عرفان بالله، ایمان بالله، خودساختگی وی در عالیترین مرتبه است و این شخصیت والا برای انسانهای معمولی در عالیترین سطح ممکن، خودش را ساخته و تربیت کرده و در سیر الی‌الله تمام وجودش را بکار گرفته و خالص الی‌الله شده است. در عین حال در زمینه علوم و

□ امام در ابعاد شخصیتی از جامعیت ویژه و شگرفی برخوردار بودند

□ در طول ۳۰ یا ۴۰ سال قبل از سال ۱۳۴۰ سوابق امام بسیار پربرکت، آموزنده، تأثیرگذار، قابل اعتماد و نورانیت بی نظیر است

معارف اسلامی هم جزء پیش‌قراولان بوده‌اند و از طرفی بعد از اخلاص و معرفت و ایمان با... و خودساختگی و از طرف دیگر بعد جهاد و اجتهاد و علم و دانش و معرفت. به نظر می‌رسد که هر شخصیتی که در این دو بعد، یکی بعد الهی و معنوی و ارتباط با حضرت حق و سفر الی‌الله و دیگر، در بعد علم و معرفت و فلسفه و کلام و اخلاق و عرفان و ادب و هنر و سیاست ۴۰ سال مجاهدت کرده باشد، می‌تواند شخصیت بسیار بی‌نظیری باشد. همینطور که امام یک شخصیت کم‌نظیر بلکه شخصیت بی‌نظیری هستند. حالا این ویژگیها را به مجموع تجارب گرانسنگی که امام در طول این ۶۰ سال آموخته‌اند، از تجربه مشروطیت که یک نوجوان بوده گرفته تا دوران جنگ جهانی اول، دوران مدرس و... اضافه کنیم. طبیعتاً کسی که این دوران را با تمام وجود لمس کند و خودش در تمام صحنه‌ها حضور داشته باشد و تمام دوران مشروطیت اعم از مشروطه اول در دوران شیخ فضل‌الله و مشروطیت رضاخانی را با تمام وجود لمس کند و همچنین شرایط حساس حوزه علمیه قم در زمان رضاخان، شرایط بسیار ارزشمند شیخ عبدالکریم حائری، مظلومیت حوزه علمیه و علما، مظلومیت آیت‌الله نجفی اصفهانی و شیخ فضل‌الله و مدرس، آیت‌الله کاشانی و فداییان اسلام را درک کند، دارای تجربه تاریخ معاصر است. وی رجلی است که از نظر تجربه تاریخی کوله‌باری بسیار سنگین از تجارب قرن گذشته تاریخ کشور را همراه دارد.

من در اسناد دیده‌ام امام وقتی در ترکیه تبعید بودند و یا در تهران در بند بودند از جمله کتابهایی که تقاضا کردند، در مورد تاریخ مشروطیت بود. خیلی عجیب است که قاعدتاً کتب مورد نیاز ایشان کتابهای فقه و اصول بوده‌اند، ولی ایشان چنین کتابی هم درخواست کردند که هدف از مطالعه این کتاب می‌تواند بررسی ابعاد مشروطیت و نقاط ضعف و قوت این نهضت باشد و بررسی اینکه چگونه می‌شود نهضتی که بزرگانی چون آیت‌الله طباطبائی، بهبهانی، کاظم یزدی، شیخ فضل‌الله پشتیبان آن هستند به مشروطیت رضاخانی تبدیل می‌شود. امام همه این مسائل را با آن عینک تیزبین و اندیشه ژرف و عمیق تحلیل می‌کنند و به نظر می‌رسد همه این تجارب در اتخاذ تصمیمات بعد از انقلاب امام بسیار مؤثر بوده‌اند.

ما سه بعد را گفتیم؛ علم، عمل، و تجارب دنیا. شایان ذکر است که نقش اساتید امام با این سه ویژگی انکارناپذیر است. وجود مجموعه این اساتید در حال حاضر هم می‌تواند برای یک انسان معمولی بسیار مثمر باشد. امثال مرحوم شاه‌آبادی، شیخ عبدالکریم حائری، سید ابوالحسن ربیعی قزوینی، میرزا جواد آقا تبریزی هر کدام در ورای استعداد و نبوغ ذاتی امام، در پایه‌ریزی شخصیت امام نقش حائز اهمیت داشته‌اند.

بنابراین جامعیت امام در همه این ابعاد است. امام قبل از جریان انجمنهای ایالتی و ولایتی به صحنه نیامدند و با طرح این جریان وارد صحنه شدند. من خودم در قم تحصیل می‌کردم. در مدرسه فیضیه اطاق داشتم و از امام تقلید می‌کردم و ایشان را کاملاً می‌شناختم. در ملاقاتها شرکت می‌کردم و در نماز امام حاضر بودم. در آن شرایط امام مرجع تقلید نبودند و بعد از اینکه بازداشت و زندانی شدند علما به فکر افتادند که مرجعیت ایشان را تثبیت کنند. چون در آن زمان صرفاً خواص ایشان را می‌شناختند و توده مردم شناختی از ایشان نداشتند. بعد از اینکه امام بازداشت شدند، قصد داشتند که حکم اعدام برای ایشان بگیرند که علما به فکر مهاجرت به حرم حضرت عبدالعظیم افتادند و فتوا دادند که امام جزء مراجع تقلید هستند و نمی‌توان ایشان را محاکمه کرد. در لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی دو یا سه نکته اساسی وجود داشت که اگر امام نبود، دیگران یا با غفلت و تساهل از کنار آن عبور می‌کردند یا حداکثر به تذکری اکتفا می‌کردند. اولاً

□ امام خمینی در عالیترین سطح ممکن، خودش را ساخته و تربیت کرده و در سیر الی الله تمام وجودش را بکار گرفته و خالص الی الله شده است

□ بعد از اینکه امام بازداشت شدند، قصد داشتند برای ایشان حکم اعدام بگیرند که علما به فکر مهاجرت به حرم حضرت عبدالعظیم افتادند و فتوا دادند که امام از مراجع تقلید هستند و نمی توان ایشان را محاکمه کرد

قید قسم به قرآن را حذف کرده بودند، همچنین قید مذهب و اسلام هم حذف شده بود و تقید زن و مرد را هم کنار گذاشته بودند. این یعنی دیگر مقید به قانونی که مجلس تصویب می کند نبودند و تصویب نامه دولت را به جای قانون می خواستند اعمال کنند. اینها ایرادات اساسی مسئله بود.

پس امام از روی عرق عمیق اسلامی در صحنه آمدند و در مورد این موضوع شروع به افشاگری نمودند. در کشوری که قانون اساسی آن، حتی قانون اساسی مشروطیت، اسلامی است و ماده دوم متمم قانون اساسی گفته هر قانونی که بخواهد در کشور تصویب شود باید پنج نفر از علمای طراز اول باشند و آن را تأیید کنند، کشوری که مذهب رسمی آن در قانون اساسی مشروطیت، شیعه اثنی عشری است، بیایند قید قسم به قرآن و اسلام را حذف کنند. خوب از همان اول باید فاتحه اسلام و مذهب و قرآن را خواند و اینها داشتند این کار را می کردند. این حالا قدم اول بود. قدمهای بعدی هم پیدا است تا کجا خواهد رفت. اینجا بود که امام وارد صحنه شدند. جریان انجمنهای ایالتی و ولایتی جرقه ای برای حضور در صحنه بود. این موضوع سال ۴۱ اتفاق افتاد و سال ۴۲ حادثه مدرسه فیضیه و سخنرانی حضرت امام در سال ۴۲ روز عاشورا و دستگیری امام و مراحل بعد رخ داد. پس اگر بخواهیم از مبارزات امام رضوان الله تعالی علیه خلاصه ای

بگوئیم و چهار دهه عمر با برکت امام و ابعاد وجودی و تجارب و اساتید و سیره و اخلاق و علم و ایمان و معرفت امام را بررسی کنیم و اساتید او مانند شیخ عبدالکریم حائری که در فقه و اصول، - آیت الله شاه آبادی در عرفان و معرفت و مرحوم مدرس در سیاست و حکمت و قناعت را بشناسیم بهترین وسیله شناخت خود شخصیت ایشان است. زیرا امام جامع هر سه نفر هستند و هر چه آن سه نفر دارند او در حد خودش به طور کامل دارد. همچنین او شهادت طلبی و شجاعت را از پدر بزرگوارش به ارث گرفته بود.

اینها همه موجب تشکیل شخصیت جامع و کامل و تمام عیار و همه جانبه امام شده است. وقتی می گوئیم مرحوم مدرس، بروز شخصیت سیاسی متبلور است و مرحوم شاه آبادی بروز شخصیتش در عرفان عملی و نظری است و شیخ عبدالکریم حائری شخصیت ویژه‌ای است که شاگرد آخوند خراسانی بوده و در زهد و فقه و تعبد بروز و ظهور شخصیتی دارد. اما شخصیت امام در همه این ابعاد متبلور شده است. از نظر علمی به آنچه اساتیدشان تدریس نموده‌اند بسنده نکردند و گامهای فراوانی از شیخ عبدالکریم جلو افتادند، در عرفان آیت الله شاه آبادی و در سیاست نیز مرحوم مدرس را زنده کردند.

- حضرت امام در فرمایشاتشان بیشتر بر مفهوم اسلام ناب محمدی تأکید می نمودند که برای اولین بار در ادبیات سیاسی جهان مطرح شد. به نظر شما شاخصه‌های اسلام ناب محمدی که آن را در برابر اسلام آمریکایی مطرح می کنند، چیست؟

آیت الله دزی نجف آبادی: اسلام مکتبی است خوداتکا، جاودانه و همیشگی و نیاز به بیگانگان ندارد و به صورت خودکار در اسلام پویایی و تحول وجود دارد. اگر کسانی به در یوزگی در مقابل غرب و شرق می روند به خاطر بیگانگی از اسلام است. اگر کسی اسلام را بشناسد هرگز در برابر بیگانگان در یوزگی نخواهد کرد. بنابراین آنانی که اسلام را رها کرده و رو به غرب نموده‌اند، شاید به دنبال مطامع دیگر و اهداف پلید دیگری باشند. اما از طرفی و رای همه اینها می بینیم گروهی به دنبال خشونت و گروهی تابع تحجر هستند. هم متحجرین، هم مرفهین بی درد، هم

خشونت طلبان افراطی هر سه از دیدگاه امام محکوم و مطرود هستند.

در حال حاضر نیز شاهد هستیم و زمان امیرالمؤمنین هم شاهد بودیم؛ از طرفی خوارج نهروان و از طرف دیگر ناکثین و قاسطین در مقابل اردوگاه امیرالمؤمنین قد علم کرده بودند. در جریان امروز دنیای اسلام نیز یکی طرف القاعده، وهابیت، سلفیه، بعثی ها، آدم کشان، قداره بندها در اردوگاههای مختلف فلسطین، افغانستان، پاکستان، انفجارهای کور و جنایات وحشیانه که روح پیامبر را می آزرده، وجود ندارد و یک طرف متحجرین بی درد هستند که در مقابل بیگانگان و غیر آنها یا تسلیم و یا منزوی هستند.

اسلام دین انزوا، خودباختگی و انفعال در برابر بیگانگان نیست. کرامت و آزادی انسانها، تعبد در دین و احکام الهی، ارتباط با حضرت حق و اخلاص و تقوا و پاکدامنی در رأس امور دین مبین اسلام است. خدمت به بندگان خدا جزء حساسترین وظایف بوده و مبارزه با استکبار جهانی و سلطه گران و کفر و شرک و نفاق جزء مهمترین وظایف به شما می رود. بی تفاوتی و خودباختگی و از خودبیگانگی در مکتب اسلام جایگاهی ندارد و در عین حال به انسانها شخصیت و عظمت می دهد. در حقیقت درمان درد جامعه اسلامی را باید در درون خود اسلام جستجو کرد نه در لیبرالیسم و دموکراسی غربی یا شرقی.

- حضرت امام برای تشکیل حکومت اسلامی برای برقراری عدالت اجتماعی در ابعاد مختلف قیام کردند که در وصیتنامه ایشان هم بر این موضوع تأکید شده است. با توجه به اینکه ضمانت اجرای عدالت، قضاوت اسلامی است، به نظر شما شاخصه های قضاوت اسلامی چیست؟

آیت الله درّی نجف آبادی: عدالت محوری یکی از برنامه های عمیق امام رضوان الله تعالی علیه است چه عدالت اجتماعی و چه قضایی. عدالت اجتماعی به معنای واقعی محرومیت زدایی و مبارزه با فقر و جهل است که در جامعه ایجاد می شود و عدالت قضایی هم در رعایت و عمل به قانون و احقاق حقوق مردم و دفاع از محرومین و مظلومین و مبارزه با ظالمین و زورگویان و غارتگران و امثالهم تحقق می یابد. این معنای واقعی عدالت است.

- از نظر شما دستگاه قضایی امروز ما با قضاوت اسلامی مورد نظر امام چقدر فاصله دارد؟
آیت الله دژی نجف آبادی: اگر بخواهیم از یک نظام قضایی چهره بسیار ملکوتی و آرمانی ترسیم کنیم ممکن است وضع موجود با وضع مطلوب بسیار فاصله داشته باشد. اما از اول انقلاب برای اجرای عدالت تلاش می شده و همیشه دنبال این بوده ایم عدالت اجرا شود اما در عمل چقدر برای بسط عدالت قضایی موفق بوده ایم بحث دیگری است.

یکی از اهداف بلند دستگاه قضایی، تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و اسلامی است و همین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردم است. تأمین حداقل نیازهای اساسی مردم، تلاش در جهت ایجاد امنیت قضایی، تساوی عمومی در برابر اجرای قانون، اجرای عدالت و حمایت از آزادیهای مشروع فردی و اجتماعی از سیاستهای برنامه اول است. این سیاستها ریزتر شده و در بحثهای فرعی اینها را مفصل تر توضیح داده ایم که اینها را با چه مکانیزم هایی اجرا کنیم. در برنامه های بعدی همواره این مسائل مورد توجه جدی قرار گرفت و در جهت تحقق آن نکات بسیاری نوشته شد. همین بخش عدالت را وقتی مطرح می کنیم «تأمین نیازمندیها و گسترش حمایت های اقتصادی و اجتماعی از خانواده های شهدا، مفقودین، اسرا، جانبازان، آزادگان با تأکید بر بهبود سطح زندگی، تأمین اشتغال مناسب، توجه خاص به جانبازان، رزمندگان و فرزندان شهدا که بسیاری از اینها هم انجام گرفته، توجه خاص به کودکان استثنایی، تهیه و تدوین و چارچوب نظام تأمین اجتماعی، حمایت از ایجاد تعاونی ها و تصویب بیمه های اجتماعی سیاستهایی است که ریز شده و قدمهایی برای تحقق آن برداشته شده است. ولی با هدف نهایی و همه جانبه بسیار فاصله داریم. البته تلاشهایی کرده ایم ولی به خاطر مشکلات فراوان و عدم تعریف مناسب ساز و کارها اگر بخواهیم به خودمان نمره دهیم نمره ۱۰ یا ۱۲ می دهیم.

- نمره دستگاه قضایی را در مقایسه با دیدگاه اسلامی حضرت امام چه می دانید؟

آیت الله دژی نجف آبادی: عنصر نیروی انسانی در پیشبرد اهداف دستگاه قضایی بسیار مهم است. اولین مسئله در هر دستگاه و ارگانی برای تحقق اهداف، نیروی انسانی کارآمد، مدیر، لایق،

□ عدالت‌محوری یکی از برنامه‌های عمیق امام است، چه عدالت اجتماعی و چه قضایی

دلسوز و وظیفه‌شناس است. من در عین حال عرض می‌کنم که نیروی انسانی دستگاه قضایی جزء مناسبترین نیروهای کیفی کشور است و نظارت بر آنها در ابعاد مختلف بسیار زیاد است اما باید واقعاً افرادی را که استعداد و آمادگی لازم را دارند و به معنای واقعی کلمه تربیت شده‌اند برای امور قضایی و حقوق کشور و پشتیبانی دستگاه قضایی مورد استفاده قرار داد. به نظر می‌رسد ما نیاز به تربیت این نیروها داریم. البته دانشگاهها مشغول تربیت چنین نیروهایی هستند. و رای فاکتورهای متعارفی که در کنکور از آنها استفاده می‌شود باید فاکتورهایی را هم در رابطه با شایستگی لازم برای کار قضایی در نظر بگیریم و افرادی را مورد استفاده قرار دهیم که آمادگی لازم از نظر امر قضا و سوابق خانوادگی، صلاحیت‌های عمومی دارند تأیید شوند و انگیزه هم داشته باشند. این یک مسئله کلیدی برای امر قضاست و برای آینده هم از محوری‌ترین مسائل دستگاه قضایی به شمار می‌رود.

(به نقل از سایت خبری دادستانی کل کشور)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ایران امروز

آنچه در پی می‌آید بخشهایی از مقاله پروفیسور «عزیزالدین» (از استادان بنام هندوستان) است که پس از بازگشت از مراسم ارتحال امام خمینی در سالجاری، در روزنامه «قومی آواز» نوشته است.

فرستی را برای حضور در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی و در سمیناری که تحت عنوان انسان کامل در تهران برگزار شد را بدست آوردم.

ایران امروز، تعبیر رؤیای امام خمینی می‌باشد. وی این رؤیا را در زمانی دید که نه تنها در ایران، حکومت پادشاهی وجود داشت، بلکه تمام کشورهای همسایه نیز دارای همین نوع، نظام حکومتی بودند.

آن موقع تعداد زیادی از علماء نیز در ظلمت پادشاهی به خواب رفته بودند و حتی اصطلاح جمهوری اسلامی نیز مرسوم نبود.

من هرگز نتوانستم تا به امروز، سیاست قدرت‌های غربی به ویژه آمریکا و انگلیس را بفهمم. حاکمان آمریکا و انگلیس می‌گویند که آنها حامی دموکراسی و ارزشهای دموکراتیک می‌باشند و به کشورهای دارای دموکراسی بسیار احترام می‌گذارند. اما تاریخ شاهد است که آنها در کشورهای مسلمان، همیشه از پادشاهان حمایت نموده‌اند. البته باید بین قدرت‌های غربی هم تفاوت قائل شویم. تعداد زیادی از روشنفکران آمریکا و انگلیس مخالف سیاست دولتهای این کشورها نسبت به عراق بودند. در واشنگتن در اعتراض به حمله آمریکا به عراق، راهپیمایی به طول ۲۰ کیلومتر برگزار گردید. در هیچ کشور مسلمان نیز چنین تظاهرات بزرگی برگزار نشد. در تاریخ

جولای ۱۸۵۷ یک روزنامه ایتالیایی در خصوص نخستین مبارزه آزادی هند نوشت: نظام سیاسی انگلیس واقعاً عجیب است. آنها خواهان آزادی در کشور خود هستند ولی می‌خواهند دیگران را به عنوان برده نگه دارند. این تحلیل آن روزنامه قرن نوزدهم ایتالیا کاملاً درست بود.

به همین خاطر قدرت‌های غربی از پادشاهان مسلمان حمایت می‌کنند و پادشاهان مذکور نیز نسبت به آمریکا و انگلیس بسیار وفادار هستند. تعداد زیادی از علما نیز به سوی پادشاهان تمایل دارند.

به همین دلیل تمام کشورهای مسلمان در اطراف ایران در پی تشکیل دولت جمهوری اسلامی در ایران، علیه این کشور حرکتی را به راه انداختند. همه این کشورها به عنوان اهرم آمریکا عمل کردند.

صدام حسین علیه ایران جنگی را به راه انداخت و عربستان و کویت که حامی آمریکا می‌باشند نیز از وی حمایت کردند.

رسول‌الله(ص) در سال ۶۲۲ میلادی در شهر مدینه یک جمهوری اسلامی تشکیل داد که تا سال ۶۶۱ ادامه داشت. بعداً این دولت به دولت موروثی تبدیل شد.

وضعیت مسلمانان عجیب است. آنها به جای جمهوری اسلامی، حکومت موروثی را انتخاب کردند و این روش تا به امروز ادامه دارد. در حالی که دولت موروثی خلاف اسلام است.

امام خمینی نظام ناپدید شده مسلمانان را در سال ۱۹۷۹ احیاء کردند.

ویژگی جمهوری اسلامی ایران این است که این دموکراسی مبتنی بر ارزشهای اخلاقی است. در ایران تساوی کاملاً مشهود است. من آنجا بین یک خادم و یک افسر هیچ تفاوتی مشاهده نکردم. همه به یکدیگر احترام می‌گذارند. در جامعه ایران نه تکبر وجود دارد نه نخوت.

ابراز تشکر، روش عمومی مردم می‌باشد. در ایران اصلاً جای کثیفی دیده نمی‌شود. تمام ایستگاههای راه آهن، بسیار تمیز می‌باشند.

به زنان بسیار احترام گذاشته می‌شود. آنها در تمام حوزه‌ها به تعداد زیاد حضور دارند. در برخی نهادها فقط زنان اشتغال دارند.

مجتمع زیارتگاه امام رضا(ع) بسیار وسیع است. هر روز هزاران نفر این زیارتگاه را زیارت می‌کنند. اما محوطه این زیارتگاه بسیار تمیز است. در ایران شأن جمهوری اسلامی همه‌جا مشهود است.

هدیه مسیح

بنا به گزارش روزنامه کیهان اخیراً کتابی با عنوان «سیری در زندگی ادواردو آنیلی» به قلم مصطفی غفاری ساروی از طرف مرکز اسناد انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است. شهید مهدی (ادواردو) آنیلی، فرزند سناتور سرشناس ایتالیایی «جیووانی آنیلی» بود که مالک مجموعه عظیم اقتصادی فیات و یکی از بزرگترین ثروتمندان ایتالیا می‌باشد. او کسی است که با تشریف به اسلام به تمام ارزش‌های مادی پدرش پشت پا زد و به همین دلیل طرد شد و مغضوب یهودیان و مسیحیان صهیونیست قرار گرفت و سرانجام به جرم عشق به حضرت امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران، ناجوانمردانه به دست صهیونیستها به شهادت رسید. مرحوم فخرالدین حجازی او را «هدیه مسیح» به حضرت محمد(ص) نامیده بود.

پرتال جامع علوم انسانی